

متفاوت تر

یه وقت بارون میاد، یه وقت تگرگ، یه وقت بوران، اما برای برخی انگار از آسمون
یه چیز هولناک میفته روشون و حسابی لهشون میکنه!

همه مبتلا میشن، امتحان میشن، تا رشد کنن، اما برخی ابتلائاتشون خیلی ناجور
و "کلافه کننده" هست؛

شاید اینها همون هایی هستن که گاهی به اسم دلسوزی!
گاهی از سر مهربونی!

گاهی از سر بی تفاوت نبودن یا به قول خودشون سیب زمینی نبودن!
به راحتی به دیگران "نظر" میدن!

اینکه راحت راجع به هر چیزی به خودشون اجازه میدن به دیگران نظر بدن رو از
کجا آوردن!

تو این کارو کن! بچه ت رو اینطوری باهاش رفتار کن! فلان چیز رو عوض کن!
فلان چیز رو بخر! فلان کتاب رو بخون! با همسرت اینطوری رفتار کن!
و ...

میدونید چرا اینها ابتلائات سهمگین و له کننده میشن؟

چون بدونِ اینکه بدونن، با زبان بی زبانی دارن ادعای "پیغمبری" میکنن،
خداوند هم ابتلائات مناسب پیامبران رو براشون نازل میکنه ...

ابتلاء مناسب پیامبران، اما ظرفیت کمتر از یک انسانِ طبیعی! نتیجه؛
له شدن، کلافه شدن، زمین خوردن، ضایع شدن و در آخر منزوی شدن ...
برای "نظر دادن" دو تا موضوع رو بایستی در نظر گرفت؛

اول؛ علم و تخصص

دوم؛ تکلیف

یعنی تا علم و تخصص نداریم نظر ندیم و اگر علم هم داریم، تا تکلیفمون نشده،
باز هم نظر ندیم ...

تا از ما نخوان و "مسألت و سؤال" نکنن، ما هیچ، یعنی هیچ تکلیفی نداریم.